

Façadism and the Concept of Authenticity in Urban Fabric Restoration: A Critical Appraisal of the South-Eastern Frontage of Hassanabad Square, Tehran

ARTICLE INFO

Article Type Original Research

Author

Asma Mohsenian¹

Mahdi Motamedmanesh^{2*}

How to cite this article

Mohsenian, Asma and Motamedmanesh, Mahdi. Façadism and the Concept of Authenticity in Urban Fabric Restoration: A Critical Appraisal of the South-Eastern Frontage of Hassanabad Square, Tehran. Urban Design Discourse. 2025; 6(4): 19-31.

Doi:

doi.org/10.48311/udd2026.117955.82813

¹ Department of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

² Department of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Aims: The aim of this research was to critically evaluate the restoration carried out in the 2000s on the south-eastern frontage of Hassanabad Square in Tehran, and to distinguish between the pictorial façade reconstruction that resulted and the authentic revitalisation of the historic urban fabric based on principles of authenticity grounded in Iranian architectural identity.

Methods: The study adopted a qualitative descriptive-analytical approach. Data were collected through the review of key conservation charters, historical documents, and field observations, and were analysed using a four-dimensional authenticity matrix addressing design, materials, construction, and context.

Findings: The findings showed that the intervention partially restored the visual legibility and skyline continuity of the Square in terms of context. However, it did not succeed in the other dimensions. The design failed to integrate façade, structure, and function, resulting in a decorative surface with limited architectural coherence. In the dimensions of materials and construction, the continuity of original substances and craft was not maintained, weakening the semantic relationship between the façade and the historic urban fabric.

Conclusion: According to the findings, the restoration of the south-eastern frontage represents an example of urban conservation lacking a comprehensive understanding of authenticity. The study highlights that successful international restoration models cannot be directly transferred to a different cultural context. The uncritical adoption of Western façadist approaches, without grounding them in the theoretical and cultural foundations of Iranian architecture, is unlikely to achieve genuine place-based identity.

Keywords: Hassanabad Square, Authenticity, Façadism, Urban restoration, Iranian architectural identity.

* Correspondence

Address: Department of Architecture,
Faculty of Art and Architecture, Tarbiat
Modares University, Tehran, Iran.
Email: m.motamed@modares.ac.ir

Article History

Received: 26 November 2025

Accepted: 07 January 2026

Revised date: 07 January 2026



نماگرایی و مفهوم اصالت در مرمت بدنه شهری؛ نگاهی انتقادی به مرمت ضلع جنوب شرقی میدان حسن آباد تهران

چکیده

اطلاعات مقاله:

هدف: ارزیابی انتقادی مداخله مرمتی دهه ۱۳۸۰ در ضلع جنوب شرقی میدان حسن آباد تهران و تبیین تمایز میان «بازنمایی تصویری» صورت گرفته و «احیای اصیل» بافت شهری تاریخی بر اساس مفاهیم اصالت درخواستی از هویت معماری ایرانی.

نوع مقاله: پژوهشی اصیل

روش: این پژوهش با رویکرد کیفی و روش توصیفی-تحلیلی انجام شد. داده‌ها از طریق مطالعه متون و منشورهای مرجع حفاظت، اسناد تاریخی و مشاهدات میدانی گردآوری و با ماتریس چهاربعدی اصالت (طراحی، مصالح، شیوه ساخت و بستر) تحلیل شدند.

نویسندگان:

اسما محسنیان^۱

مهدی معتمدمنش^{۲*}

یافته‌ها: اگرچه مداخله در بُعد «بستر»، خوانایی بصری و خط آسمان میدان را تا حدی بازگرداند، اما در ابعاد دیگر ناموفق بود. در «طراحی»، پیوند ارگانیک نما با سازه و کارکرد برقرار نشد و پوسته افزوده به نقابی صرفاً تزئینی تبدیل شد. در «مصالح» و «شیوه ساخت» نیز استمرار مواد و جزئیات اصیل دیده نشد و پیوند معناشناختی نما-کالبد تضعیف گردید.

نحوه استناد به این مقاله:

محسنیان، اسما و معتمدمنش، مهدی. نماگرایی و مفهوم اصالت در مرمت بدنه شهری؛ نگاهی انتقادی به مرمت ضلع جنوب شرقی میدان حسن آباد تهران. گفتمان طراحی شهری مروری بر ادبیات و نظریه‌های معاصر، ۶ (۴)، ۱۹-۳۱.

نتیجه‌گیری: ارزیابی حاضر آشکار ساخت که مداخله صورت گرفته در ضلع جنوب شرقی میدان، با وجود بازگردانی نسبی تصویر بصری، به دلیل عدم توجه به ابعاد چندگانه اصالت و سازوکارهای هویت‌ساز معماری ایرانی، نمونه‌ای شاخص از مرمت شهری بدون توجه به مفهوم اصالت به شمار می‌رود. پژوهش حاضر تأکید می‌کند که توجه به ویژگی‌های ذاتی و زمینه‌ای هر اثر تاریخی سبب می‌شود تا تجربه‌های موفق مرمت در دیگر نقاط جهان لزوماً در بستری متفاوت به موفقیت منجر نشوند. کپی‌برداری از رویکردهای ظاهرگرایانه غربی (مانند نماگرایی)، بدون واکاوی مبانی نظری و فرهنگی بومی کشورمان، محکوم به شکست در احیای اصیل هویت مکانی است.

۱. گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
۲. گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

واژه‌های کلیدی: میدان حسن آباد؛ اصالت؛ نماگرایی؛ مرمت شهری؛ هویت معماری ایرانی.

* نویسنده مسئول:

دکتر مهدی معتمدمنش

نشانی: گروه معماری، دانشکده هنر و معماری،

دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

ایمیل: m.motamed@modares.ac.ir

تاریخ مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۹/۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۱۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۰/۱۷

۱. مقدمه

شهر تهران، به عنوان پایتخت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران، طی یک سده اخیر دگرگونی‌های عمیقی را در ساختار کالبدی و هویتی خود تجربه کرده است. بافت‌های تاریخی این شهر که زمانی بازتاب روشنی از هویت معماری ایرانی-اسلامی بودند، در پی توسعه‌های شتاب‌زده و مداخلات ناآگاهانه شهری به تدریج از معنا و اصالت تهی شده‌اند. یکی از بارزترین نمونه‌های این روند، رواج مرمت‌های سطحی و صوری در فضاهای عمومی است؛ اقداماتی که در بسیاری موارد نه با اتکا بر شناخت لایه‌های تاریخی، بلکه تنها با هدف بازسازی تصویری از گذشته انجام می‌گیرند.

میدان حسن‌آباد، از شاخص‌ترین نمونه‌های معماری دوران پهلوی اول، مصداق روشن این وضعیت به‌شمار می‌رود. این میدان با ترکیب قرینه چهار بنای گنبدی پیرامونی، نظم هندسی و سیمایی ماندگار در حافظه شهری پایتخت خلق کرد. اما تخریب یکی از این بناها در دهه ۱۳۵۰ و جایگزینی آن با ساختمانی شیشه‌ای متعلق به بانک ملی، این هماهنگی فضایی را به کلی برهم زد. در سال ۱۳۸۰، شهرداری تهران کوشید با افزودن لایه‌ای نمایشی (Facadism) بر روی نمای ساختمان بانک، ظاهر پیشین را بازآفرینی کند. این اقدام هرچند در بازگرداندن سیمای آشنا به میدان موفق به نظر می‌رسید، اما از آنجاکه بیشتر تلاشی صوری و سطحی تلقی گردید تا نمونه‌ای از مرمت مبتنی بر احترام به هویت تاریخی، در دنیای آکادمیک و حرفه‌ای معماری پرسش‌های ساختاری عمیقی را مطرح ساخت.

پدیده «نماگرایی» — که در آن تنها پوسته بیرونی بناها به عنوان نشانه‌ای تاریخی حفظ می‌شود و ابعاد اساسی چون سازمان فضایی، لایه‌های معنایی و پیوندهای فرهنگی نادیده گرفته می‌شوند (Kyriazi, 2019)، در سال‌های اخیر به‌ویژه در پروژه‌های مرمتی شهری در جهان رواج فزاینده یافته است. با این حال، در بستر معماری ایران که پیوستگی میان ظاهر و معنا و وحدت صورت و محتوا جایگاهی بنیادین دارد، این رویکرد می‌تواند به چالشی جدی بدل شود. از همین منظر، اسناد بین‌المللی همچون منشور آتن (CIAM, 1931)، منشور ونیز (ICOMOS, 1964) و سند نارا درباره اصالت (ICOMOS, 1994)، بر ضرورت حفظ یکپارچگی فضایی، اصالت مادی و معنوی و زمینه‌مندی فرهنگی-تاریخی تأکید دارند. این اسناد مرزی روشن میان «بازسازی صوری» و «احیای اصیل» ترسیم کرده‌اند و اصولی چون وفاداری به بستر تاریخی، احترام به لایه‌های زمانی و بازخوانی صادقانه گذشته را پیش شرط هرگونه مداخله می‌دانند.

در این چارچوب، پژوهش حاضر با نگاهی انتقادی به ارزیابی مرمت نمای جنوب‌شرقی میدان حسن‌آباد می‌پردازد و میزان انطباق آن را با اصول نظری اصالت‌محور در مرمت معماری ایرانی بررسی می‌کند. پرسش محوری آن است که آیا مداخله دهه ۱۳۸۰

را می‌توان نمونه‌ای معتبر از مرمت شهری اصالت‌محور دانست یا آنکه باید آن را صرفاً بازنمایی صوری گذشته در قامت نماگرایی تعبیر کرد.

۲. روش‌شناسی تحقیق

برای پاسخ به پرسش پژوهش، از روش کیفی با رویکرد توصیفی-تحلیلی استفاده شده است (Groat & Wang, 2013). این رویکرد که به‌ویژه در مطالعات معماری و طراحی شهری کاربرد دارد، امکان بررسی هم‌زمان لایه‌های کالبدی، تاریخی و معنایی را فراهم می‌سازد و از رهگذر تحلیل منابع متنوع می‌تواند تصویری جامع از موضوع ارائه کند. داده‌های پژوهش بر پایه تحلیل متون نظری و منشورهای بین‌المللی مرتبط با مرمت و حفاظت، اسناد تاریخی و نقشه‌های قدیمی میدان حسن‌آباد، تصاویر آرشیوی و مستندات تصویری از تحولات آن و نیز مشاهدات میدانی از وضعیت کنونی گردآوری شده است. فرایند تحلیل به‌گونه‌ای طراحی شده که نخست زمینه‌های کالبدی، تاریخی و فرهنگی میدان حسن‌آباد و سیر مداخلات انجام‌شده در آن توصیف شود و سپس با اتکا بر چارچوب‌های نظری معتبر، مداخله اخیر شهرداری در نمای میدان به‌صورت تطبیقی با مفاهیم «هویت معماری ایرانی»، «اصالت» و «یکپارچگی فضایی» ارزیابی گردد.

۳. پیشینه تحقیق

مطالعات مرتبط با مرمت معماری تاریخی و مفهوم اصالت، به‌ویژه در زمینه «نماگرایی» طی سال‌های اخیر توجه بسیاری از پژوهشگران حفاظت میراث فرهنگی و بازآفرینی شهری را به خود جلب کرده است. اهمیت این موضوع در پیچیدگی نظری و عملی آن نهفته است؛ چراکه همواره تعارضی میان حفظ هویت تاریخی و پاسخ‌گویی به نیازهای معاصر یا سازوکارهای اجرایی موجود دارد. بر همین اساس، مرور پیشینه در دو محور صورت می‌گیرد: نخست، تحولات نظری و عملی مرمت شهری و تلاش برای بازتعریف رابطه میان حفاظت و توسعه؛ دوم، نقد رویکرد نماگرایی و پیامدهای آن بر اصالت معماری و پیوستگی فرهنگی.

۳-۱. زمینه‌های مرمت شهری

مرمت شهری به عنوان فرآیندی برای حفاظت، احیا و بازآفرینی بافت‌های تاریخی و هویت فرهنگی شهرها، از دهه ۱۹۵۰ میلادی تاکنون تحولات پارادایمی متعددی را پشت سر گذاشته است. این مفهوم را می‌توان در دو سطح تعریف کرد: نخست، اقدامات کالبدی یا «تعمیر» که به بهبود وضعیت فیزیکی آثار و فضاهای شهری می‌پردازد؛ و دوم، اقدامات محتوایی-کاربری یا «نگهداری» که هدف آن بازگرداندن آثار به شرایط پایدار و فعال در زندگی شهری است (Habibi & Maqsoudi, 2022). دیدگاه

که رویکردهای توسعه‌گرا ثروت‌های فرهنگی و میراث ملی را تهدید می‌کنند و رویکردهای حفاظت‌گرا امکان توسعه را محدود می‌سازند (Hanachi, Diba & Mahdavi-Nejad, 2007). در همین راستا، رویکرد «منظر شهری تاریخی» که در توصیه‌نامه یونسکو مطرح شد، جایگاهی ویژه یافت و بر تعادل میان دو مقوله حفاظت و توسعه تأکید کرد (UNESCO World Heritage Centre, 2011). پژوهشگران نیز بر ضرورت ارزیابی انتقادی این چالش در نظریه و عمل تأکید دارند (Bandarin & Van Oers, 2012). با توجه به غنای تاریخی کشور، پرداختن به این چالش برای برنامه‌ریزان و حفاظت‌گران شهری اهمیتی دوچندان یافته است. جدول ۱ برخی از مهمترین دیدگاه‌های مطرح در حیطه مرمت شهری را ارائه می‌دهد.

جدول ۱. برخی از مهم‌ترین دیدگاه‌ها پیرامون مقوله مرمت شهری. مأخذ: نگارندگان

نظریه یا دیدگاه کلیدی درباره مرمت شهری	پژوهش
مرمت شهری شامل سه رویکرد «موبه‌مو»، «نوگرایانه»، و «نوپردازانه» است که از دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ تحول یافته و به بازآفرینی هویت شهری منجر گردیده است.	Shateri et al., 2020
بافت‌های تاریخی سرمایه‌های فرهنگی و مدنی اند که به دلیل ضعف‌های قانونی و نهادی در ایران نیازمند حفاظت هستند.	Falamaki, 2004
مرمت شهری از طریق بهسازی، نوسازی، و بازسازی باید به زمینه فرهنگی-تاریخی و پیوستگی حافظه جمعی توجه کند.	Varesi & Eslami-Parikhani, 2013
مرمت شهری اغلب به دیدگاه کالبدی محدود شده و رویکردهای فعالیت‌محور را نادیده می‌گیرد؛ صنایع فرهنگی می‌توانند راهگشا باشند، اما در ایران کم‌توجه‌اند.	Mohammadi & Changlavaei, 2013
تعارض میان حفاظت و توسعه در ایران بحث‌برانگیز است؛ رویکردهای توسعه‌گرا میراث را تضعیف و حفاظت‌گرا توسعه را محدود می‌کند.	Hanachi et al., 2007
مرمت شامل «تعمیر» (اقدامات کالبدی) و «نگهداری» (بازگرداندن به شرایط پایدار و فعال در زندگی شهری) است.	Habibi & Maqsoodi, 2002
مرمت شهری در ایران و کشورهای در حال توسعه بر حل معضلات و کمبودها متمرکز بوده و اهداف آن شامل گردشگری و بازآفرینی است.	Bonyadi, 2012

دوم اهمیت ابعاد اجتماعی و فرهنگی را در مداخلات شهری معاصر برجسته می‌سازد.

شاطری وایقان و همکاران (Shateri Vaighan, Dabdabeh, & Kahyazadeh, 2020) سه رویکرد اصلی در این حوزه برمی‌شمارند: مرمت موبه‌مو که بر بازسازی دقیق و وفاداری به شکل اولیه تأکید دارد؛ مرمت نوگرایانه که بر گسست از گذشته و خلق بیانی نو استوار است؛ و مرمت نوپردازانه که تلاشی برای تلفیق دو رویکرد پیشین به‌شمار می‌رود. پس از دهه ۱۹۶۰، با آشکار شدن ناکارآمدی‌های اجتماعی-فرهنگی طرح‌های نوگرایانه، توجه به نوسازی بافت‌های تاریخی و بازآفرینی هویت شهری اهمیتی روزافزون یافت. در ایران نیز پژوهشگرانی چون فلامکی (Falamaki, 2004) بافت‌های تاریخی را سرمایه‌های فرهنگی و مدنی دانسته و ضعف‌های قانونی و نهادی در حفاظت را مورد نقد قرار داده‌اند. وارشی و اسلامی‌پریخانی (Varesi & Eslami, 2013) نیز با طرح سه‌گانه بهسازی، نوسازی و بازسازی، بر ضرورت توجه به زمینه‌های فرهنگی-تاریخی و پیوستگی حافظه جمعی در مداخلات تأکید می‌کنند. به دلیل مشکلات موجود در شهرهای تاریخی در کشورهای در حال توسعه، نگاه به مرمت شهری اغلب بر حل معضلات و کمبودهای مناطق تاریخی متمرکز بوده است (Bonyadi, 2012). بسیاری از اقدامات مرمتی در ایران همچنان بیشتر به مداخلات کالبدی محدود مانده و ابعاد اجتماعی و فرهنگی نادیده گرفته شده‌اند (Mohammadi & Changlavaei, 2013). از اواخر دهه ۱۹۸۰، مفهوم «توسعه فرهنگ‌محور شهری» در بازآفرینی اهمیت یافت. صنایع فرهنگی و خلاق در قالب نواحی و خوشه‌های فرهنگی به‌عنوان ابزاری نوین برای بازآفرینی شهری مطرح شدند؛ ابتدا در ایالات متحده و سپس در سال ۱۹۸۷ توسط سازمان‌ها و شوراهای فرهنگی بریتانیا (Montgomery, 2003). نمونه موفق این رویکرد، ناحیه تاریخی تمپل‌بار دویلین است که از سال ۱۹۹۰ با بهره‌گیری از ظرفیت‌هایی چون فیلم، هنرهای تجسمی، موسیقی و تئاتر، از فضایی متروکه به یکی از مراکز پویای فرهنگی اروپا تبدیل شد (Montgomery, 2004). این تجربه علاوه بر بازآفرینی اجتماعی و فرهنگی، ارزش اقتصادی املاک را افزایش داده و ترکیب جمعیتی را نیز دگرگون ساخته است (Urban Task Force, 1999). در ایران، با وجود پیشینه تاریخی غنی، چنین رویکردهایی کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند (Mohammadi et al., 2013)؛ همین امر سبب شده است تعارض میان حفاظت و توسعه در کشور برجسته‌تر شود. این تعارض، یکی از مهم‌ترین مسائل شهرهای تاریخی به‌شمار می‌رود. اهمیت بناها، یادمان‌ها و بافت‌های ارزشمند ایجاب می‌کند که تحت حفاظت قرار گیرند، در حالی که روند رشد و توسعه شهری نیازمند برنامه‌های نوین برای آینده است. این دوگانه گاه به رویارویی منجر می‌شود؛ به‌گونه‌ای

۳-۲. نماگرایی

در سال‌های اخیر پدیده نماگرایی که به حفظ یا بازسازی نمای تاریخی در کنار دگرگونی کامل ساختار داخلی اشاره دارد به‌عنوان یکی از بحث‌برانگیزترین رویکردها در مرمت شهری، توجه پژوهشگران معماری و حفاظت میراث را برانگیخته است. بخش عمده‌ای از این مطالعات در بستر شهرهای غربی و به‌ویژه پروژه‌های توسعه شهری اروپا و آمریکای شمالی صورت گرفته‌اند. اوانجلیا کیریازی (Kyriazi, 2019) در تحلیلی انتقادی، نماگرایی را «توهم اصالت» می‌نامد که با نادیده گرفتن ساختار و معنای فرهنگی بنا، صرفاً به بازتولید سطحی‌ترین لایه آن، یعنی نمای بیرونی، بسنده می‌کند. هانا کریستوفی (Christofi, 2024) نیز این رویکرد را «ظاهرگرایی تهی» می‌خواند که پوسته‌ای بی‌هویت از گذشته را بازنمایی می‌کند و فاقد عمق مفهومی و تاریخی است. از دیدگاه نظری، یکی از اصول بنیادین در طراحی و مرمت اصیل معماری، حفظ یا بازیابی انسجام میان ساختار درونی و نمای بیرونی بنا است؛ اصلی که در نماگرایی به‌وضوح نقض می‌شود (Semes, 2009). هرچند مرمت نماها می‌تواند در حفظ هویت تاریخی و ارتقای منظر شهری نقش آفرین باشد، اما اتخاذ رویکردهای صرفاً نمایشی چالش‌های جدی در زمینه اصالت، عملکرد و تداوم تاریخی ایجاد می‌کند (Tiesdell, Oc, & Heath, 1996). در بسیاری از پروژه‌ها، نماگرایی به‌عنوان راهی برای ترفیق سنت و مدرنیته به‌کار گرفته شده است (Richards, 1994)، اما منتقدان معتقدند که این رویکرد، با حذف عناصر فضایی و کارکردی، یکپارچگی کالبدی و معنایی بنا را از میان می‌برد. ریچاردز (Richards, 1994) تأکید می‌کند که حفظ ظاهر تاریخی در بسیاری موارد به قیمت از دست رفتن هویت واقعی و کارکرد اثر تمام می‌شود.

در نگاه ویلیام موریس، بنیان‌گذار جنبش هنرها و صنایع دستی و انجمن حفاظت از بناهای باستانی (Morris, 1877)، رویکردهایی نظیر نماگرایی نوعی تحریف تاریخی محسوب می‌شوند. او اصالت اثر تاریخی را در تمامیت کالبدی، تاریخی و عملکردی آن می‌داند و حفظ صرف نمای خارجی را بدون توجه به لایه‌های درونی، عاملی برای مخدوش شدن ارزش‌های فرهنگی می‌داند (Macdonald, 2007). از منظر نظریه‌پردازان حفاظت نیز، جوکا جوکیله‌تو نماگرایی را به دلیل تضعیف اصالت و انسجام تاریخی آثار معماری، رویکردی مخرب تلقی می‌کند. او با استناد به منشور ونیز (ICOMOS, 1964) و سند نارا (ICOMOS, 1994)، بر لزوم حفاظت کل‌گرایانه از نما، ساختار و زمینه فرهنگی آثار تأکید دارد و نماگرایی را رویکردی ظاهرگرا می‌داند که ارزش‌های تاریخی را فدای منطق بازنمایی بصری می‌کند (Jokilehto, 1990).

در ایران، هرچند برخی پژوهش‌ها در حوزه مفهوم اصالت در معماری و مرمت — از جمله واکاوی‌های فلسفی مبتنی بر

اندیشه‌های فلاسفه ایرانی همچون ملاصدرا و مطالعات موردی در شهرهای تاریخی نظیر یزد و تهران (Omidvari, 2024) انجام شده است، هنوز پژوهش جامعی که به‌طور خاص به بررسی پیدایش، گسترش و پیامدهای نماگرایی در بافت‌های تاریخی ایران بپردازد، وجود ندارد. این مطالعات هرچند ابعاد نظری اصالت و مرمت را واکاویده‌اند، اما غالباً بر تحلیل‌های کلی یا نمونه‌های خاص تمرکز داشته‌اند و به پیچیدگی‌های عملی و فرهنگی ناشی از نماگرایی کمتر پرداخته‌اند. این خلأ پژوهشی، به‌ویژه در شرایطی که مرمت‌های شهری در ایران با ضعف قوانین حفاظتی و فشارهای توسعه‌گرایانه روبه‌رو هستند، ضرورت پرداختن انتقادی به پروژه‌های نماگرایی را که احتمالاً در آینده نیز مورد توجه قرار خواهند گرفت، دوچندان می‌سازد.

بنابراین، انتخاب موضوع پژوهش حاضر صرفاً در راستای پر کردن خلأ ادبیات داخلی نبوده، بلکه پاسخی به نیاز فوری برای ارائه راهکارهایی در مرمت شهری است که بتوانند نسبت میان حفاظت اصیل از میراث فرهنگی و الزامات توسعه را روشن‌تر سازند. این پژوهش با ترکیب تحلیل نظری و مطالعه موردی می‌کوشد تا فهم عمیق‌تری از تأثیرات کاربست نماگرایی در مرمت شهری تاریخی ایران فراهم آورد و به برنامه‌ریزان و حفاظت‌گران شهری در اتخاذ تصمیم‌های آگاهانه یاری رساند. برخی از مهم‌ترین پژوهش‌ها پیرامون پدیده نماگرایی در جدول ۲ دیده می‌شود.

۴. مبانی نظری تحقیق

مبانی نظری این پژوهش بر سه محور استوار است: «اصالت»، «هویت و چیستی معماری ایرانی» و «نماگرایی در بستر معماری ایرانی». این سه محور چارچوبی فراهم می‌آورند تا رویکرد ظاهرگرای مداخله دهه ۱۳۸۰ در میدان حسن‌آباد تحلیل شود.

۴-۱. اصالت در معماری

مفهوم اصالت در مرمت معماری و شهری به حفظ ارزش‌های کالبدی، تاریخی و فرهنگی یک اثر یا بافت شهری اشاره دارد. به روایت فروغمند اعرابی و ارژمند (Foroughmand Arabi, Arzhmand, 2022a)، ایده سنجش اصالت در میراث، از دهه‌های نخست قرن بیستم طرح شد، در دهه‌های میانی با معیارهایی چون یکپارچگی و تکرارپذیری اعتبارسنجی شد و از اواخر دهه هفتاد میلادی به محور اندیشه‌های حفاظت بدل گردید. فیلدن (Fielden, 2007) تأکید می‌کند اصالت را نباید با شبیه‌سازی اشتباه گرفت؛ بازسازی‌هایی که صرفاً صورت بنا را تقلید می‌کنند، فاقد اصالت‌اند. یوکیتو اصالت را در وحدت ذاتی، فرایند خلاق، نمود فیزیکی، و تأثیرات تاریخی یک اثر تعریف می‌کند (Jokilehto, 1995). بر همین سیاق، زانتچی و

همکاران (Zancheti, Lira, & Piccolo, 2009) معماری اصیل را کاربرمحور، مکان‌ساز، پاسخ‌گو به منطقه و زمانه، قابل اعتماد و بدیع می‌دانند؛ معماری‌ای که در کاربر انگیزه، احساس و معنا برمی‌انگیزد. در معماری معاصر ایران، کم‌توجهی به اصول بومی

به نابسامانی منظر شهری انجامیده است (Ilbeigi & Ghomeishi, 2016). از دید فروغمند اعرابی و ارژمند (Foroughmand Arabi & Arzhmand, 2022b)، بازگشت نقادانه به اصالت نهفته در سنت معماری ایران شرط بازشناسی درست آثار تاریخی است.

جدول ۲. برخی از مهم‌ترین پژوهش‌ها پیرامون پدیده نماگرایی. مأخذ: نگارندگان

جایگاه و نقد در پژوهش حاضر	دیدگاه کلیدی درباره نماگرایی و اصالت	موضوع پژوهش	کشور	نویسنده / منبع
نقد نویسنده به کاهش اصالت، با چالش‌های حفظ هویت معماری ایرانی هم‌خوانی دارد، اما وی به بافت‌های معماری در کشورهای غیر غربی نپرداخته است.	نماگرایی به دلیل تمرکز بر نمای ظاهری و نادیده‌گرفتن ساختار و زمینه فرهنگی، نوعی «توهم اصالت» ایجاد می‌کند.	اصالت در مرمت بناها و نماگرایی	یونان	Kyriazi, E (2019)
رویکردی تحلیلی برای بازبینی اصالت در نماگرایی فراهم می‌آورد.	نماگرایی به‌عنوان «فسادبسم تهی» و «نقاب معماری» فاقد عمق هویتی است و تنها پوسته‌ای نازک از میراث تاریخی را حفظ می‌کند.	نقد نماگرایی در مرمت‌های شهری	استرالیا	Christofi, 2024
چارچوب نظری قوی برای تحلیل، به‌ویژه در بررسی یکپارچگی کالبدی فراهم می‌کند. با این حال، تمرکز پژوهش بر بافت‌های شهری اروپایی است و نیاز به تطبیق با زمینه معماری ایرانی دارد.	نماگرایی چالش‌هایی مانند کاهش یکپارچگی کالبدی و هویت تاریخی ایجاد می‌کند و اغلب به جدایی نما از عملکرد بنا منجر می‌شود.	احیای محله‌های تاریخی شهری	انگلستان	Tiesdell, S., Oc, T., & Heath, T (1996)
برای توصیف نماگرایی و مقایسه هویت بصری با اصالت کالبدی مفید است. اما تمرکز آن بر نمونه‌های غربی، دامنه کاربرد در زمینه معماری و شهرسازی ایرانی را محدود می‌کند.	نماگرایی روشی برای تلفیق مدرنیته و تاریخ است که هویت بصری را حفظ می‌کند، اما یکپارچگی کالبدی را به خطر می‌اندازد.	تعریف و روندهای نماگرایی	انگلستان	Richards, J. M (1990)
معیارهای مورد بررسی از سوی نویسنده جهت انطباق با اصول هویت‌گرای معماری ایرانی می‌تواند کاربرد داشته باشد.	نماگرایی به دلیل جدایی نما از ساختار و عملکرد، اصالت تاریخی را کاهش می‌دهد و ارزش‌های فرهنگی بنا را تضعیف می‌کند.	اخلاق حفاظت در معماری	ایالات متحده	Semes, S. W (2009)
تأکید موریس بر یکپارچگی کالبدی در معماری و حفاظت ارزشمند است اما نیاز به تطبیق با شرایط مدرن دارد.	نماگرایی نوعی تحریف تاریخ است که با حفظ صرف نما، یکپارچگی کالبدی و اصالت بنا را از بین می‌برد.	حفاظت از بناهای تاریخی	انگلستان	Morris, W (1877)
این منبع چارچوب بین‌المللی برای ارزیابی مرمت فراهم و ناسازگاری نماگرایی با اصالت معماری ایرانی را برجسته می‌سازد. تمرکز آن بر استانداردهای جهانی است و نیاز به بومی‌سازی دارد.	نماگرایی به دلیل ناسازگاری با معیارهای اصالت و یکپارچگی (منشور ونیز و سند نارا)، ارزش‌های تاریخی را قربانی ظاهرگرایی می‌کند.	اصالت و یکپارچگی در میراث جهانی	فنلاند	Jokilehto, J (1999)

۴-۲. اصول هویت‌بخش به معماری ایرانی

معماری پدیده‌ای است که در طول هزاران سال وجود داشته و نموده‌های آن به‌صورت بناها و ساختمان‌های متنوع در سراسر جهان پراکنده‌اند. دغدغه ایجاد کیفیتی مطلوب در فضای معماری، همواره از اهداف اصلی معماران بوده و آنان را به جست‌وجوی شیوه‌هایی مبتنی بر تجربیات بشری، تداوم هویتی و پیوستگی میان نسل‌ها سوق داده است (Nohi-Bazanjan, 2021). تبیین «چیستی» و «حقیقت» معماری — و نه صرفاً «چگونگی» آن — همواره دشوار بوده است؛ چه‌بسا تا بدان‌جا که ژرفای آن دست‌نیافتنی می‌نماید. معماری، به‌مثابه امری میان «خواستن» و «ساختن»، می‌تواند از عرفان جاری در زیست‌جهان یا از یقین انسانی معطوف به عمل تغذیه کند. این هنر — علم، گاه «حقیق» را در «واقعیت‌ها» و عملکردها متجلی می‌سازد و گاه با «به‌حضور طلبدن» و «نمایاندن» پدیده‌ها، آن‌ها را بازنمود می‌کند. از آنجاکه انسان در جایگاه سازنده و درک‌کننده حقایق معماری قرار دارد، پیش از هر چیز باید پیوند شناخت انسانی با حقیقت و مراتب وجود در معماری مورد واکاوی قرار گیرد (Taqvaei, 2010).

معماری ایرانی، به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین نموده‌های هویت فرهنگی و تاریخی ایران، بر اصولی استوار است که ریشه در جهان‌بینی، باورها، سبک زندگی و دانش بومی ایرانیان دارند. این اصول، بازتاب‌دهنده پیوند عمیق میان فرهنگ، هنر، و نیازهای انسانی با بسترهای محیطی و تاریخی‌اند و مبنایی برای فهم و حفظ اصالت در معماری فراهم می‌کنند. معماری سنتی ایران در بستری فکری و فرهنگی شکل گرفته که بدون مطالعه و شناخت آن، فهم صحیح مبانی و سازوکارهای شکل‌گیری آن ممکن نیست. دوره‌ای که در برابر تفکر مدرن، از آن با عنوان «دوران سنت» یاد می‌شود، هنوز برای ما مجهولی ناشناخته است؛ و تا زمانی که این بستر به‌درستی شناخته نشود، دستیابی به فهم درست از معماری آن دوران نیز ناممکن خواهد بود (Emami-Koopaei, Norouzbarazjani, 2018). امامی کوپائی و همکاران (به نقل از فیرحی) اشاره می‌کنند که سنت معماری ایرانی مظهر یک جهان‌بینی، سبک زندگی و تاریخ خاص است که برای بازیابی هویت تاریخی خود، نیازمند بازخوانی پیوسته و روشمند می‌باشد (Emami-Koopaei et al., 2018).

نوحی بزنجانی و نوروزی به نقل از اغنئیانی و همکاران معتقدند که بنا در ساخت سوم خود «معماری» است؛ یعنی جایی که «معنا» بر «فرم» تقدم دارد. در این ساخت، معانی و مفاهیم در قالب صورت‌های تجسمی متجلی می‌شوند. از این‌رو، معماری زبان بیان معانی و مفاهیم است و به همین دلیل، حامل هویت و فرهنگ یک ملت و تمدن به شمار می‌آید (Nohi-Bazanjan, 2021).

یکی از اصول بنیادین در معماری ایرانی، پیوند آن با «زمان» و «مکان» است. معماری ایرانی در طول تاریخ با تکیه بر فناوری‌های بومی، مصالح بوم‌آورد و طراحی‌های متناسب با شرایط اقلیمی و فرهنگی، فضایی خلق کرده که هویت محلی را تقویت و پایداری فرهنگی را تضمین نموده است (Noghrehkar, 2010; Taqvaei, 2018). فروغمند اعرابی و ارژمند، به نقل از شایگان بر این باورند که اصل دیگر معماری ایرانی «تخیل خلاق و بازنمایی معنوی» است. برخلاف هنر غربی که بر محسوسات مادی تأکید دارد، معماری این سرزمین از رهگذر تخیل خلاق، جهانی معنوی را در قالب فرم‌ها و فضاها بازنمایی می‌کند. این اصل، که ریشه در نگاه ایرانی به جهان و مقصد نهایی انسان دارد، معماری را به ابزاری برای تجلی معانی متعالی و بازنمایی هویت فرهنگی بدل می‌سازد (Foroughmand, 2022a).

معماری، از حیث ماهیت، واجد دو بعد علمی و هنری است [36]. این پدیده، به‌عنوان ملموس‌ترین بازتاب از حضور انسان در جهان، بستر تبلور اندیشه‌های متعالی و احساسات ناب بشری و محل تحقق کمالات انسانی است. زمانی که انسان در جست‌وجوی کیستی و چیستی خود در جهان درون و بیرون بود، مفهوم هویت پدیدار شد (Nohi-Bazanjan & Norouzi, 2021). «هندسه» و «کهن‌الگوهای ایرانی» از دیگر اصول هویت‌بخش معماری ایران‌اند. بهره‌گیری از ساختارهای هندسی و الگوهای بومی، که توسط معماران ایرانی با دانش و بینش خاص شکل گرفته‌اند، فضاهایی پدید آورده که نیازهای انسان ایرانی را در بسترهای فرهنگی، اقتصادی و اقلیمی پاسخ داده است (Noghrehkar, Zarei Haji-Abadi, Mohamadeganji, 2018).

این اصل، معماری ایرانی را به‌عنوان نظامی فضایی متمایز معرفی می‌کند که ریشه در فرهنگ و تاریخ ملی دارد. تقوایی به نقل از صدرالمآلهین بر این باور است که «شناخت و آگاهی انسانی» از ارکان اساسی در معماری ایران است. این معماری با تکیه بر شناخت انسان در سه مرتبه حس، خیال و عقل، فضاهایی می‌آفریند که نه تنها نیازهای مادی بلکه رشد معنوی و فرهنگی انسان را نیز تأمین می‌کنند. بدین ترتیب، معماری به‌عنوان پلی میان حقیقت و واقعیت، بازتاب‌دهنده هویت انسانی و فرهنگی است (Taqvaei, 2010).

چارچوب مفهومی بالا هم درک ژرف‌تری از چیستی هویت در معماری ایرانی فراهم می‌آورد و هم ابزاری تحلیلی برای ارزیابی انتقادی شیوه‌های مرمت در بافت‌های تاریخی این سرزمین ارائه می‌دهد. خلاصه این دیدگاه‌ها و تحلیل بازخورد آن‌ها در مرمت ضلع جنوب شرقی میدان حسن‌آباد تهران، در جدول ۴ ارائه شده است.

۴-۲. نماگرایی و معماری ایرانی

نماگرایی رویکردی در مرمت است که با تمرکز بر حفظ یا بازسازی نمای بیرونی بنا، پیوندهای کالبدی، عملکردی و فرهنگی آن را نادیده می‌گیرد. این رویکرد در بستر معماری ایرانی — که چنانکه در بالا نشان داده شد، بر وحدت فرم و معنا و پیوستگی ظاهر و باطن تأکید دارد — چالش برانگیز می‌نماید. در معماری معاصر ایران، نما غالباً به پوششی تزئینی فروکاسته شده و ارتباطش با زمینه فرهنگی و تاریخی سست شده است (Haj-Maleki, Daneshjoo & Shahcheraghi, 2022). پدیده نماگرایی نیز با اصول هویت‌بخش معماری ایرانی، از جمله درون‌گرایی و پیوستگی معنایی، ناسازگار است؛ زیرا به جای پاسداشت وحدت کالبدی-فرهنگی، به بازنمایی صرف ظاهر بسنده می‌کند (Foroughmand Arabi & Arzhmand, 2022b). با همین مبنا، اسناد مرجع بین‌المللی چون منشور ونیز (ICOMOS, 1964) و سند نارا (ICOMOS, 1994) که بر حفاظت کل‌گرایانه «نما-سازه-زمینه» تأکید دارند، خوانشی ارائه می‌دهند که نماگرایی را در تضاد با اصالت می‌یابد. از اینرو، به نظر می‌رسد در بستر معماری ایرانی، نماگرایی نوعی تحریف هویتی است که می‌تواند ارزش‌های فرهنگی و تاریخی بناهای تاریخی را مخدوش سازد (جدول ۳).

۵. بحث و نتیجه‌گیری

۵-۱. میدان حسن‌آباد

میدان حسن‌آباد در پهنه مرکزی حوزه میانی تهران و در محدوده بافت تاریخی حصار ناصری قرار دارد؛ میدانی که از دل تهران قاجاری سربرآورد و به تدریج به یکی از صحنه‌های هویتی پایتخت بدل شد. پیش از شکل‌گیری میدان، این محل باغی متعلق به میرزا یوسف آشتیانی بود که بعدها به نام پسرش «حسن» شناخته شد و «حسن‌آباد» نام گرفت. پیش از طرح‌های گسترش تهران، این نقطه چهارراهی کوچک با گذرگاه‌های کم‌عرض و پیچ‌درپیچ بود، اما با آغاز دوره پهلوی اول و اجرای برنامه‌های

مدرنیزاسیون شهری، چهارراه بی‌سامان به میدانی دایره‌ای با شعاع تقریبی ۴۵ متر و مساحت نزدیک به ۶۵۰۰ متر مربع ارتقا یافت (تصویر ۱) و خوانایی فضایی یافت (Nostarpour, Ansari & Pourmand, 2021). در دوره‌هایی میدان را به سبب «هشت گنبد» پیرامون، «هشت‌گنبدان» می‌خواندند و پس از انقلاب برای مدتی «۳۱ شهریور» نام داشت، اما نام تاریخی‌اش دوباره تثبیت شد (Mokhtari, 2019).



تصویر ۱. میدان حسن‌آباد در دوران پهلوی اول و دوم. مأخذ: ویکی‌پدیا

هویت کالبدی و ادراکی میدان بر چهار عمارت پیرامونی استوار است؛ بناهایی که قرینگی چهارسویه و انتظام کلاسیک را در قاب میدان به نمایش می‌گذارند. این مجموعه به سبک نئوکلاسیک و نئوپالادین، با تلفیق عناصری از باروک فرانسوی، در سال ۱۳۱۳ توسط میرزا علی‌خان مهندس طراحی شد (Banimasoud, 2011). جزئیات شاخص آن شامل هشت گنبد هشت‌وجهی، قوس‌های نیم‌دایره، پنجره‌های پالادیو با قوس مرکزی، جفت‌ستون و سنگ‌تاج، نرده‌های صراحی‌دار و به‌کارگیری ترتیب‌های دوریک در طبقه اول و کورنتین در طبقه دوم است؛ مجموعه‌ای که حس تقارن، ریتم دهانه‌ها و تنسيق خط آسمان را تقویت می‌کند. به‌رغم سنت مصالح در معماری ایرانی، چهره میدان بر آجر و

جدول ۳. چارچوب مفهومی مبانی نظری پژوهش. مأخذ: نگارندگان

مفهوم	توضیح	معیار تحلیل	منبع
اصالت	حفظ ارزش‌های کالبدی، تاریخی و فرهنگی	وحدت ذاتی، اصالت مصالح و انسجام در بافت تاریخی	Fielden, 2007; Foroughmand Arabi & Arzhmand, 2022b; (Ilbeigi & Ghomeishi, 2016; Jokilehto, 1995)
هویت	هماهنگی کالبدی و فرهنگی در معماری ایرانی	یکپارچگی، درونگرایی و پیوند فرهنگی	Foroughmand Arabi & Arzhmand, 2022b; Haj-Maleki, (Daneshjoo & Shahcheraghi, 2022; Taqvaei, 2010)
نماگرایی	حفظ پوسته ظاهری بدون درنظر گرفتن ساختار اصیل	جدایی نما از ساختار و ظاهرگرایی	Foroughmand Arabi & Arzhmand, 2022a; Haj-Maleki et al., 2022; Kyriazi, 2019; Richards, 1994

منسوب شده است (Fathi et al., 2023) که توسط معمار ایرانی ارمنی لئون تادوسیان اجرا گردید (تصویر ۲). حضور این گوشه نامتجانس، ریتم و خوانایی میدان را مختل و تجربه ادراکی آن را دچار ناهمسازی نمود. در دهه ۱۳۸۰، شهرداری تهران برای «بازگردانی تصویر» پوسته‌ای نئوکلاسیک را در برابر نمای شیشه‌ای اجرا کرد؛ اقدامی که در قالب دورنما هماهنگی میدان را تا حدی افزایش داد و هم‌زمان، مجموعه‌ای از مرمت‌ها طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۰ با مدیریت سازمان زیباسازی و همکاری مهندسين مشاور آمود در جستجوی احیای شکوه گذشته میدان برآمدند (Fathi et al., 2023).

حساسیت عمومی نسبت به میراث میدان در رخدادهای اخیر نیز خود را نشان داده است؛ آتش‌سوزی سال ۱۳۹۸ در ضلع شمال شرقی، که به سرعت مهار شد، بازتاب گسترده یافت و وابستگی عاطفی شهروندان به این گره تاریخی را آشکار کرد (Mokhtari, 2019). افزون بر ارزش کالبدی، حسن‌آباد در حافظه جمعی تهران جایگاهی نمادین دارد؛ از روایت تجمعات مشروطه‌خواهان و نصب مجسمه ملک‌المتکلمین تا هم‌جواری با گورستان قدیمی (محل دفن میرزا رضا کلهر و میرزا کوچک‌خان) و گزارش کشف سفال‌های سلجوقی در پیرامون که بر لایه‌های باستان‌شناختی آن دلالت می‌کند (Mokhtari, 2019). به این

گچ تکیه دارد که نوعی «نمای سنگی غربی» را القا می‌کند (Banimasoud, 2011 & Savadkouhi, 1999). چنین ترکیبی، در کنار کاربری‌های تجاری و خدماتی پیرامون، میدان را به «صحنه شهری» خوانا و ماندگار بدل کرده است (Savadkouhi, 1999). از منظر بستر شهری، میدان حسن‌آباد در منطقه ۱۲ و در تقاطع خیابان‌های امام خمینی (سپه سابق) و حافظ قرار گرفته (Kiani, 2004) و بن‌مایه‌های شکل‌گیری آن میان سال‌های ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۳ در متن نوسازی‌های پهلوی اول شکل گرفته است (Eghbali, Zeinali & Esmacili, 2016; Fathi, Rahrovani & Fakhri, 2023). اهمیت تاریخی و کالبدی میدان موجب شد در سال ۱۳۷۷ با شماره ۱۹۷۷ در فهرست آثار ملی ثبت شود (Mokhtari, 2019). با این حال، برخی مداخلات متأخر مانند ورودی‌های مترو و استقرار بناهای ناهماهنگ - از جمله ساختمان شش طبقه مجاور بانک ملی - تمامیت بصری میدان را با چالش مواجه کرده‌اند (Fathi et al., 2023).

گسست اصلی در قرینگی میدان از ضلع جنوب شرقی آغاز شد؛ جایی که بنای هم‌قواره و هم‌زبان با سه ضلع دیگر در دهه ۱۳۳۰ تخریب شد و ساختمان بانک ملی با نمای تمام‌شیشه‌ای و بی‌اعتنا به زبان نئوکلاسیک میدان جایگزین گردید (Eghbali et al, 2016). طراحی این بنا در برخی منابع به محسن فروغی

جدول ۴. اصول هویت‌بخش معماری ایرانی و بازخورد آن در مرمت میدان حسن‌آباد. مأخذ: نگارندگان

اصل هویت‌بخش	معیار اصالت در مرمت نما	وضعیت در مرمت میدان حسن‌آباد	تحلیل نقدی	منبع
تداوم هویتی و پیوستگی میان نسل‌ها	حفظ پیوستگی تجربیات بشری و الگوهای تاریخی در مرمت	ساده‌سازی الگوهای تاریخی و حذف جزئیات اصلی	نماگرایی - گسست از تداوم هویتی	Nohi-Bazanjani & Norouzi, 2021
تجلی حقیقت در واقعیت (حقایق در عملکردها)	متجلی شدن حقایق فرهنگی در عملکرد و واقعیت نما	تمرکز بر ظاهر بدون توجه به عملکرد تاریخی	نماگرایی - واقعیت بدون حقیقت	Taqvaei, 2010
پیوند با زمان و مکان (مصالح بوم‌آورد، فناوری بومی)	سازگاری مرمت با فناوری بومی و شرایط محلی	استفاده از رویکردهای مدرن و غیربومی	فقدان اصالت - قطع پیوند با مکان	Noghrehkar et al., 2018; Taqvaei, 2010
تقدم معنا بر فرم (ساحت سوم معماری)	اولویت معنا و هویت فرهنگی بر تزئین ظاهری	اولویت فرم ظاهری بر معنا	نماگرایی محض - سطحی نگری	Nohi-Bazanjani & Norouzi, 2021
تخیل خلاق و بازنمایی معنوی	بازنمایی جهان‌بینی ایرانی با تخیل خلاق	تقلید ظاهری بدون عمق معنوی	نماگرایی - فقدان تخیل خلاق	Foroughmand Arabi & Arzhmand, 2022a
هندسه و کهن الگوهای ایرانی	استفاده از ساختارهای هندسی و الگوهای بومی	ساده‌سازی و حذف الگوهای سنتی	نماگرایی - نقض کهن الگوها	Noghrehkar et al., 2018
شناخت انسانی در سه مرتبه (حس، خیال و عقل)	برانگیختن حس تعلق، خیال فرهنگی و عقلانیت بومی	ایجاد بیگانگی بصری و فرهنگی	فقدان اصالت - عدم برانگیختن شناخت عمیق	Taqvaei, 2010

در بُعد «طراحی»، پوسته افزوده شده اگرچه در نما همخوان با بناهای اصیل میدان بود، اما هیچ پیوند ارگانیکی با پلان، سازه و کارکرد داخلی ساختمان بانک ملی برقرار نکرد. این گسست بنیادین، نما را از نقش سازه‌ای-کارکردی خود تهی و آن را به عنصری صرفاً تصویری تقلیل داد. در ابعاد «مصالح» و «شیوه ساخت» نیز، به کارگیری بتن و آجرهای بازتولید شده، فاقد استمرار تاریخی با مصالح اصلی بود و جزئیات تزئینی نه به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از کالبد، بلکه به صورت الحاقات ظاهری اجرا شدند. در نتیجه، پیوند معناشناختی میان نما و کالبد که در معماری تاریخی ایران امری ضروری است، به کلی سست شد.

این تقلیل گرایی، در تضاد کامل با مبانی هویت‌ساز معماری ایرانی قرار دارد. در سنت معماری این سرزمین، «معنا» بر «فرم» تقدم دارد و وحدت ظاهر و باطن، اصل بنیادین شمرده می‌شود. مداخله صورت‌گرفتن، با جداسازی پوسته از ساختار، این وحدت را مخدوش کرد و «سیالیت و محصوریت فضایی» میدان را-که از کیفیات ملموس طراحی اولیه آن بود-دچار اختلال نمود. تمرکز صرف بر بازتولید تصویر، فرصت بازخوانی «حافظه جمعی» و تقویت «هویت مکان» را از بین برد و میدان را به سمت «صحنه‌ای نمایشی» سوق داد.

از منظر اسناد بین‌المللی مرمت، این پروژه با اصول منشور ونیز (۱۹۶۴) و سند نارارا درباره اصالت (۱۹۹۴) که بر حفظ یکپارچگی اثر در کلیت خود (نما-سازه-زمینه) تأکید دارند، در تعارض است. این مداخله، با اولویت دادن به بازنمایی ظاهری و بی‌اعتنایی به ارزش‌های ساختاری و معنوی، در زمره رویکردهای «حفاظت تقلیل‌گرایانه» قرار می‌گیرد که منتقدانی چون یوکیلتو (Jokilehto, 1999) آن را خوارشمرده‌اند.

در نتیجه، می‌توان پروژه مرمت ضلع جنوب‌شرقی میدان حسن‌آباد را نمونه‌ای شاخص از ناکارایی در بستر ایران دانست؛ مداخله‌ای که نه تنها نتوانست به احیای اصیل هویت تاریخی میدان بینجامد، بلکه با نادیده گرفتن ابعاد چندگانه اصالت و مبانی نظری معماری ایرانی، تنها بر پیچیدگی چالش‌های مرمت شهری در مواجهه با توسعه معاصر افزود. این پژوهش نشان می‌دهد که کپی‌برداری از رویکردهای ظاهرگرایانه، بدون واکاوی مبانی فرهنگی-هویتی، محکوم به شکست در «احیای اصیل» است.

تشکر و قدردانی

موردی وجود ندارد.

تأییدیه‌های اخلاقی

این پژوهش شامل داده‌های انسانی یا حیوانی نبوده و بنابراین نیاز به دریافت تأییدیه اخلاقی نداشته است.

اعتبار، میدان حسن‌آباد صرفاً «اثر» نیست؛ «گره حافظه» و «دال هویتی» است که تجربه شهروندان از مرکز تهران را صورت‌بندی می‌کند و ازینرو، هرگونه اقدام مداخله‌گرایانه در آن اهمیتی دو چندان می‌یابد.



تصویر ۲. بدنه بانک ملی پیش از اجرای طرح هماهنگ‌سازی بدنه
مأخذ: توسلی، ۱۳۷۶.



تصویر ۳. بدنه بانک ملی و میدان پس از اجرای طرح هماهنگ‌سازی
بدنه مأخذ: نگارندگان

۲-۵. نماگرایی در میدان حسن‌آباد

تحلیل مداخله مرمتی دهه ۱۳۸۰ در ضلع جنوب‌شرقی میدان حسن‌آباد، ذیل چارچوب نظری «اصالت» و «هویت معماری ایرانی»، آشکار می‌سازد که این اقدام، علیرغم بازگردانی نسبی تصویر بصری میدان، نمونه‌ای شکست‌خورده از «احیای اصیل» به شمار می‌رود. ارزیابی این پروژه بر اساس ماتریس چهاربعدی اصالت (شامل طراحی، مصالح، شیوه ساخت و بستر)، گویای موفقیتی جزئی تنها در بُعد «بستر» است. اگرچه این مداخله نتوانست قربنگی بصری و خط آسمان تاریخی میدان را تا حدی بازیابی کند، اما در سه بُعد دیگر به‌طور سیستماتیک ناکام ماند و در نهایت، به جای ترمیم هویت، به ایجاد «نقابی» صرفاً تزئینی انجامید.

تعارض منافع

موردی وجود ندارد.

سهیم نویسندگان در مقاله

نویسندگان بصورت برابر در پیشبرد مقاله سهیم بوده‌اند. جمع‌آوری اطلاعات و بازنویسی متن اولیه مقاله توسط نویسنده اول صورت گرفته و نویسنده دوم طراحی کانسپت پژوهش، مدیریت تحقیق، و بازنویسی متن به شکل قابل انتشار را برعهده داشته است.

منابع مالی / حمایت‌ها

پژوهش با منابع مالی شخصی صورت گرفته است.

References

- Fielden, B. (2007). *World Heritage Site Management Guidelines* (P. Hanachi, Trans.). Tehran: University of Tehran Press. [Persian]
- Flamaki, M. M. (2004). Culture and architectural-urban law in Iran from the perspective of conservation. *Majles va Rahbord*, 44, 277-289. [Persian]
- Groat, L., & Wang, D. (2013). *Architectural research methods* (2nd ed.). Wiley.
- Habibi, S., & Maqsoodi, M. (2002). *Urban restoration*. Tehran: University of Tehran Press. [Persian]
- Haj-Maleki, M., Daneshjoo, K., & Shahcheraghi, A. (2022). Explaining strategies to enhance identity in contemporary Tehran architecture (with emphasis on building façades in street views). *Urban Design Discourse*, 3(4), Winter. [Persian]
- Hanachi, P., Diba, D., & Mahdavi-Nejad, M. J. (2007). Conservation and development in Iran: Analyzing experiences of restoration in valuable historic urban fabrics. *Honarhaye Ziba*, 32, Winter. [Persian]
- ICOMOS. (1964). *International charter for the conservation and restoration of monuments and sites* (Venice Charter).
- ICOMOS. (1994). *Nara Document on Authenticity*.
- Ilbeigi, M., & Ghomeishi, M. (2016). Investigating complexity as a fundamental factor in building façade aesthetics. *Proceedings of the Conference on Architectural and Urban Engineering*. [Persian]
- Jokilehto, J. (1995). Viewpoints: The debate on authenticity. *ICCROM Newsletter*, XXI, 6-8.
- Jokilehto, J. (1999). *A history of architectural conservation*. Oxford: Butterworth-Heinemann.
- Kiani, M. (2004). *Architecture of the early Pahlavi period*. Tehran: Institute for Contemporary Historical Studies of Iran. [Persian]
- Kyriazi, E. (2019). Façadism, building renovation and the boundaries of authenticity. *Aesthetic Investigations*, 2(2), 184-195. <https://doi.org/10.58519/aesthinv.v2i2.11967>
- Macdonald, B. J. (2007). William Morris and the vision of ecosocialism. *Contemporary Justice Review*, 7(3), 287-304.
- Bandarin, F., & Van Oers, R. (2012). *The historic urban landscape: Managing heritage in an urban century*. Chichester, UK: Wiley-Blackwell.
- Bonyadi, N. (2012). Evolution of ideas in urban conservation. *Shahr Identity*, 6(10), Spring-Summer. [Persian]
- Banimosoud, A. (2011). *Contemporary architecture of Iran*. Tehran: Honar Memari Gharb. [Persian]
- Christofi, A. (2024, June 8). About-Face: How Australian architects rethought the 'Wild West' facade as a nod to conservation. *The Guardian*. <https://www.theguardian.com/artanddesign/article/2024/jun/08/about-face-how-australian-architects-rethought-the-wild-west-facade-as-a-nod-to-conservation>
- Eghbali, S. R., Zeinali, R., & Esmaeili, E. (2016). Comparative evaluation of citizens' sense of belonging to Urmia State Square and Hassanabad Square, Tehran through spatial identity study. *Shahr Identity*, 28, 29-40. [Persian]
- Emami-Koopaei, S., Norouzbarazjani, V., & Saffian, M. J. (2018). Phenomenology: A methodological approach to understanding the essence of architecture (pre-modern traditional). *Bagh-e Nazar*, 15(65), 13-24. [Persian]
- Fathi, G., Rahrovani, M., & Fakhri, Y. (2023). An analytical approach to neoclassical architecture in Iran (Case study: Qazakhkhane Mansion, Masoudieh Mansion, Hassanabad Square). *Shabak*, 9(3), 72. [Persian]

- Google Books
32. Semes, S. W. (2009). *The future of the past: A conservation ethic for architecture, urbanism, and historic preservation*. New York: W. W. Norton.
 33. Shateri Vaighan, O., Dabdabeh, M., & Kahyazadeh, V. (2020). Principles of historic urban tissue conservation. *Shabak*, 6(1), 52. [Persian]
 34. Savadkouhi, S. (1999). *Tehran squares through time* (Vol. 1). Tehran: Behrad. [Persian]
 35. Taqvaei, V. (2010). From essence to definition of architecture. *Shahr Identity*, 5(7), Autumn-Winter. [Persian]
 36. Tiesdell, S., Oc, T., & Heath, T. (1996). *Revitalizing historic urban quarters*. Oxford: Architectural Press.
 37. Tavassoli, M. (1997). *Principles and methods of urban design and residential spaces in Iran*. Tehran: Center for Urban and Architectural Studies and Research of Iran. [Persian]
 38. The Athens Charter for the Restoration of Historic Monuments. (1931). First International Congress of Architects and Technicians of Historic Monuments, Athens.
 39. UNESCO World Heritage Centre. (2011). *Recommendation on the Historic Urban Landscape* (adopted 10 November 2011, Paris). Paris: UNESCO.
 40. Urban Task Force. (1999). *Towards an Urban Renaissance*. London: HMSO.
 41. Varesi, H., & Eslami-Parikhani, S. (2013). The necessity of conserving old neighborhoods and residential units in Iranian cities. *Geographical Information (Sepehr)*, 22, 85. [Persian]
 42. Foroughmand Arabi, H., & Arzhmand, M. (2022a). Essence of authenticity and cultural identity in contemporary Iranian architecture based on Daryush Shaygan's ideas. *Iranian-Islamic Urban Studies*, 13(2), 91-99. [Persian]
 43. Foroughmand Arabi, H., & Arzhmand, M. (2022b). Explaining the concept of authenticity in architecture with emphasis on Henri Corbin's ideas. *Islamic Architecture and Urbanism Culture*, 7(2). [Persian]
 44. Hejazi, S. A., & Shahabi, S. (2014). Essays on the
 22. Montgomery, J. (2003). Cultural quarters as mechanisms for urban regeneration, part 1: Conceptualising cultural quarters. *Planning Practice & Research*, 18(4), 293-306.
 23. Montgomery, J. (2004). Cultural quarters as mechanisms for urban regeneration, part 2: Policy instruments and city governance. *Planning Practice & Research*, 19(1), 19-31.
 24. Mohammadi, M., & Changlavaei, Y. (2013). The role of industries and cultural-creative clusters in historic-urban tissue conservation. *Iranian Conservation and Architecture*, 3(6), Autumn-Winter. [Persian]
 25. Mokhtari, E. (2019, August 6). Hassanabad Square, a piece of Tehran's history. *Iran Newspaper*, 7126. [Persian]
 26. Morris, W. (1877). *Manifesto of the Society for the Protection of Ancient Buildings (SPAB)*. London: SPAB.
 27. Noghrehkar, S., Zarei Haji-Abadi, F., Mohamade-ganji, F., & Danaeinia, A. (2018). Reading architecture: What, why, and how. In search of a model to understand Iranian architectural history and its role in architectural discourse. *Islamic Architecture and Urbanism Culture*, 4(1), 69-83. [Persian]
 28. Nohi-Bazanjani, M., & Norouzi, M. (2021). Reviewing principles of Iranian architecture from the perspective of Dr. Mohammad Karim Pirnia and Dr. Mansour Flamaki. *Memarshenasi*, 18, 73-87. [Persian]
 29. Nosratpour, D., Ansari, M., & Pourmand, H. (2021). Examining the phenomenological components of Juhani Pallasmaa in the geographical-historical context of place (Case study: Hassanabad Square). *Geography and Regional Planning*, 12(1), 744-793. [Persian]
 30. Omidvari, M., Anjam-Sha'a, A., & Rahimimehr, V. (2024). Investigating the concept of authenticity in architecture based on levels of perception according to Mulla Sadra. *Bagh-e Nazar*, 21(139), 5-18. [Persian]
 31. Richards, J. (1994). *Facadism*. London: Routledge.

Judging the authenticity of the city. In N. Stanley-Price & J. King (Eds.), *Conserving the Authentic: Essays in Honour of Jukka Jokilehto* (pp. 163-168). Rome: ICCROM.

essence and definition of architecture. Proceedings of the International Congress on Sustainability in Architecture and Urbanism, Masdar City. [Persian]
45. Zancheti, S. M., Lira, F. L. P., & Piccolo, R. (2009).